



بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين إنه خير ناصر و معين الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و علي و آلهما الطيبين الطاهرين و لعنة الله على أعدائهم أجمعين أبد الآبدین

آشنایی با طب قرآنی ه

مقدمه توضیحی از مجله حیات اعلی



ابعاد طبی قرآن کریم یکی از انواع فراوان معارف و جلوه های علمی قرآن است، در این زمینه طی قرنهای گذشته تحقیق صدها دانشمند و تألیف هزاران مقاله و کتاب و میلیونها تجربه شخصی از طبی قرآنی وجود دارد. آقای خدادادی یکی از علاقمندان و تجربه گران طب قرآنی شیخ ابو علی سینا است، ایشان به صورت خودآموز برخی مطالب عمومی طب و بهداشت و تغذیه در طب قرآنی و سینائی را تجربه و منتشر نموده اند. نظر به کاربرد عمومی این مطالب و برای تقدیر از تلاشهایشان اقدام به نشر مطالب منتشره ایشان می نمایم. از طرفی وجود برخی از اشتباهات در مطالب ایشان، که ناشی از فقدان سوابق تحصیلات علمی در علوم قرآنی و نیز در طب سینائی است، مانع نشر متن ویرایش نشده آثار ایشان بوده، و مستلزم وهن کل کار و تلاشهای مفید ایشان می گردید. لذا برای حفظ ارزش کار عمومی ایشان، از نشر ویرایش نشده یا نقد آن موارد دوری جست، و صرفاً مطالب را ویرایش شده منتشر می نمایم، تا ضمن اطمینان خوانندگان مجله از صحت مطالب منتشره، به تلاش علمی ایشان نیز ارج نهاده باشیم. ممکن است برخی نکات را نیز در ادامه همراه با توضیح یا تصحیح آن اشاره کنیم. البته این ویرایشها تغییری در بدنه اصلی مقالات ایشان ایجاد نمی کند.

آشنایی با الفبای طب بوعلی سینائی

أعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم یا من إسمه دواء و ذکره شفاء

شکر خداوند یکتا و بی همتا را که برای هدایت ما انسانها پیامبرانی (علیهم السلام) را برای هدایت و ارتقا افکار انسانها بر گزیده شده اند. و امامان و معصومین (علیهم السلام) را راهنمای ما قرار داد.

با عرض سلام خدمت عزیزان امید که همیشه شاد و سر حال باشید، حالا ممکن است چهره هایتان زیاد تغییر نکند ولی انشا الله وقتی غذاها را گفتم (و شما آن برنامه ها را رعایت کردید) بعد می بینید چقدر سریع در عرض يك هفته چهره ها همچین گل می اندازد که همه می گویند که: چه کار کرده اید؟ چه کرمی استفاده کرده اید؟ چه ماسکی استفاده کردید؟ در حالی که هیچکدام از اینها نیست.



اما مطالبی که قرار است این جلسه خدمت شما بگویم راجع به مزاجها عناصر تشکیل دهنده بدن اخلاط اربعه را می گویم و غلبه هر يك را نیز می گویم، شما یادداشت می کنید بعد خودتان را بررسی می کنید، با اینها از این حالاتی که استفاده می شود شما خیلی راحت تشخیص می دهید که: الان چه مسئله ای دارید؟ از مزه دهنتان می توانید تشخیص دهید کدام اندام از بدنتان خوب کار می کند یا خوب کار نمی کند؟

بعضیها ممکن است بگویند که من دهانم تلخ می شود وقتی که تلخ می شود نشانگر اینست که کبد خوب کار نمی کند، بعضیها می گویند که ما دهانمان خیلی شیرین می شود بعضیها می گویند ترش می شود بعضیها می گویند شور می شود خشک می شود خوب اینها هر کدام علائمی است که در واقع به ما می گوید که چه مسئله ای برای ما پیش آمده

اگر به پزشک رایج بگوئید دهان من شیرین می شود میگوید قند خورده اید غسل خورده اید! در حالی که اینها نیست اینها طب قدیم است که پزشکان امروز متأسفانه اطلاع ندارند اگر اطلاع داشته باشند کمک بزرگی بهشان می شود و می توانند ناراحتی بیمار را بهتر تشخیص بدهند درمان بکنند، حالا بعد از این کتاب من کتابی نوشته ام آماده است به نام کلید ورود به طب قدیم که انشا الله می دهیم برای چاپ این به درد پزشکها

مي خورد يعني بيمار كه از در مطب وارد مي شود پزشك اگر وارد باشد مي فهمد اين چه طبعي دارد؟ طبعش گرم است؟ سرد است؟ صغرا غلبه كرده؟ سودا غلبه كرده؟

اينها را مي گوييم انشا الله خدمتتان، بعد زبانه را نگاه مي كنيم؛ هر كدامتان كه دوست داشتيد، مي گوييم چه مساله اي دارد انهاي هم كه دوست نداشتند نمي گوييم، انهاي هم كه نياز است من خودم نمي گوييم، مي نويسم روي كاغذ مي دهم به خود شخص.

آشنائي با عناصر پايه و ريشه = عناصر اربعه (چهارگانه)



مجله حيات اعلى: تعليقه اي بر تحليل و تعريفهاي كوينده درباره عناصر و طباع اربعه:
۱- اصطلاح "عنصر" يا "عناصر" مورد استفاده در علوم قديمه (حكمت و فلسفه طب و نجوم و...) با مشابه لفظي همين اصطلاح در علوم جديد (شيمي و...) نبايد مخلوط و اشتباه شود.
۲- مقصود از اين اصطلاح در علوم قديمه عناصر پايه و ريشه هستند نه عناصر صور كوناكون مواد و اشياء كه شمارش آن تا كنون از صد عنصر فراتر رفته است،
۳- همچنين بايد توجه شود كه منظور از عناوين آتش هوا آب خاك در مبحث عناصر خود اينها نبوده، بلكه مقصود مفهومي است كه اين چهار شئي نماد بارز آن هستند.
۴- عناصر اربعه و طباع چهارگانه منحصر به كالبد انساني نبوده و اساس تمام موجودات مي باشد.
۵- تعاريف هر يك از اين اصطلاحات در مباحث طبيعيات فلسفه و حكمت و نيز طب به تفصيل ذكر شده است.

عرض كنم كه مطلبي كه ميخواهم بگويم خدمت شما بدن انسان و عناصر اربعه عناصر اربعه يعني عناصر چهار گانه قديمها معتقد بودند كه جهان هستي از اين چهار چيز تشكيل شده: آتش خاك اب و هوا، و معيارشان اين چهار عنصر بود و مي گفتند جهان هستي از اين چهار عنصر است، اگر هم بخواهيم دقيقا بررسي كنيم مي بينيم واقعا همين است، بدن انسان هم از همين است.

حالا بينيم تك تك اينها چه خاصيتي دارند؟

آتش مي دانيد تنها چيزي كه به ذهن انسان مي ايد گرماي آنست ديگه. هر چيزي كه در معرض آتش قرار بگيرد خشك مي شود و حرارت ايجاد مي كند، و خاصيت آتش گرما و حرارت و خشكي است.

خاك عنصري است كه زمين را تشكيل داده و عناصري مثل: روي منيزيم سدیم پتاسیم آهن و چيزهاي ديگر داخل زمين است و تنها چيزي كه ما در ذهنمان مي ايد سرد بودنش است و مي بينيم كه خيلي سريع حرارت را مي گيرد خيلي سريع هم از دست مي دهد

آب تري و رطوبتش در ذهن ما مي ايد هر چيزي كه در معرض اب قرار گيرد خيس مي شود تر ميشود و در واقع اين گرما را ديرتر به خودش مي گيرد و ديرتر هم از دست مي دهد ودر واقع دو سوم كره زمين اب است يك سومش خاك است جالب اينكه يك هماهنگي هم با بدن انسان دارد حالا مي گوييم خدمتتان ...

هوا هم كه مي دانيد يكي از نيازمنديهاي مهم انسان است كه اگر هوا نباشد واقعا زندگي و حيات امكان ندارد معمولا از ئيدروژن اكسجين ازت ويكسري گازهاي نادر ديگر تشكيل شده كه در تنفس استفاده مي كنيم از اين.

مجله حيات اعلى: كوينده طبق عادت عامه كاهي در توضيح و مثال مربوط به اصطلاح "عنصر" يا "عناصر" ريشه، از موارد مربوط به عناصر مصطلح جديد استفاده مي كند، و اين درست نيست، و موجب اشكال در ذهن شنونده و خواننده مي شود، اكر مي كويند فلان جيز تابع عنصر هواست نه اينكه هوا دارد يعني اكسژن و هيدروژن! يا اكر عنصر خاك صحبت شود نبايد عناصر جديد موجود در خاك مثال زده شود.

حالا بينيم كه اين عناصر اربعه نسبت به بدن ما چه حالي را دارند؟ خوب اين چيزهائي كه شما مي بينيد آتش را مي بينيد اب را مي بينيد خاك را مي بينيد هوا را مي بينيد، ولي در مكاتب هندي مي ايند يك چيز ديگر به ان اضافه مي كنند يك چيزي به نام اتر اضافه مي كنند اينجا، و جالب اينجاست كه از نظر فلسفه هندي يا ايورودا. اين طب را مي گويند ايورودا، كه امروزه رواج زيادي پيدا كرده در امريكا اروپا و يك مقدار در ايران، و جالب اينجاست كه يك تقسيم بندي غلطی دارند آنها به اين شكل است كه فرض كن اقا ي X مي گويند بنيادش خاك است، اقا ي Y هواست، يكي اتر است، يكي را آتش، مي گويند كسي كه بنيادش خاك است در تقسيم بندي كه آنها دارند در پست ترين نقطه تقسيمات قرار گرفته اين شخص هيچوقت نمي تواند به نهاد و بنياد بالائي برسد چون نهاد و بنيادش از خاك است، در حاليكه ما مي گوييم اينچنين نيست؟ حالا اينها را من ميگويم خدمت شما.

شما بينيد كه هيچ فرقي نمي كند؟ اتر را ما نداريم ديگر، همين چهار عنصر آتش خاك اب و هوا فقط هستند، معمولا مكاتب هندي به اين مساله معتقدند كه اين مساله غلطی است، حالا ما به چه شكلي معتقديم؟ من بگويم خدمت شما بعد ارزاييش مي كنيم بينيم واقعا چه اطلاعاتي به ما مي دهد.

مجله حيات اعلى: نكاتي درباره عنصر بنجم كه در طب آيورودا مطرح شده است:

۱- كوينده به علت ناآشنائي با فلسفه و طب آيورودا، برخي تفاوتهاي آنرا با طب بوعلی سینائي؛ تعارض تلقی كرده، و برای اثبات مورد اعتقاد خود بدون ارائه هرگونه استدلالی آنرا زیر سؤال برده است!

۲- كوينده مطلبي را كه از فلسفه آيورودايي نقل مي كند، دليل بر اشتباه بودن اصل تقسيم بندي و



انکار عنصر پنجم گرفته است، و این برداشت غلطی است، البته تفسیری که از این موضوع طبی در مباحث عقیدتی بر اساس مسلک رایج هندو شده و اینکه اگر طبع مانع ترقی است صحیح نبوده، ولی این یک تحلیل عقیدتی هندی است، که با ادله خودش رد می شود، و لازم نیست برای ابطال آن اصل تقسیم بندی هندی درباره عناصر را زیر سؤال ببریم.

۳- تقسیم عناصر ریشه به چهار نوع، در طب سینائی بر اساس مواد تشکیل دهنده قالب مادی بوده، و در طب آیورودائی تنها اجزای تشکیل دهنده قالب ماده را در نظر نگرفته و فراتر از آنرا نیز در تقسیم بندی عناصر ملاحظه کرده اند، لذاست که به چهار عنصر اکتفا نکرده اند و پنج عنصر شمرده اند.

حالا خواص عناصر اربعه:

عرض کردم آتش گرم است حرارت ایجاد میکند و هر چیزی را که در معرضش باشد را خشک می کند. خاک سرد است و خشک هستش - حالا سرد و خشک و تر و اینها را می گوئیم چه هست و آب گرم و تر هست و هوا سرد و تر هست، پس اینجا (روی تخته سیاه) آتش را من می نویسم گرم و خشک، حالا ببینیم چه استفاده ای از این می کنیم از نظر علمی هم توضیح می دهم اینها را. خاک سرد و خشک است، آب سرد و تر هستش، هوا گرم و تر هستش،

کی میداند گرم یعنی چی؟ سرد یعنی چی؟ خشک یعنی چی؟ تر یعنی چی؟ حالا نمی دانم قبلا شنیده اید این چیزها را؟ یا نشنیده اید؟ بله، درست است به مزاج مربوط است. حالا گرمی سردی یا خشکی و تری می دانید یعنی چی؟ چرا به یک چیزی می گوئیم خشک؟ به یک چیزی می گوئیم تر؟ حالا توضیح می دهم حالا می آئیم اینها را با بدن خودمان مقایسه می کنیم ببینیم چگونه می شود تعمیم داد بدن خودمان را.

بدن انسان از این چهار عنصر تشکیل شده، در واقع آتش کجای بدن انسان می شود؟ در اثر خوردن غذا متابولیسم که صورت می گیرد دمای حدود ۳۷ درجه ایجاد می شود در واقع همان حرارتی که ایجاد می شود ما می گوئیم این حرارت همان آتش است و دمائی که ایجاد می شود همان دمای آتش است خوب این دما به چه وسیله ای روی زمین هستش خوب برای ایجاد دما سه عنصر نیاز است مواد سوختنی حرارت و اکسیژن خوبی اینجا منبع بزرگ آتش خود کره خورشید هست که حرارت زیاد ایجاد می کند و موجب حیات انسان می شود ولی ما می خواهیم روی بدن خودمان اینها را مقایسه بکنیم حرارت ایجاد می شود وقتی که اگر دچار ناراحتی سرما خوردگی بشویم تب می کنیم که اگر بیش از ۴۰ و ۴۱ درجه باشد حالت اغما و مرگ است پس ببینیم که ما حرارت را در وجود خودمان احساس می کنیم و بهش می گوئیم گرم و خشک است چون خشکیش بخاطر اینکه هر چه در مجاورت گرما باشد خشک می شود.

مجله حیات اعلی: نکاتی درباره تفسیرهای شخصی ایشان از اصطلاحات طب سینائی:

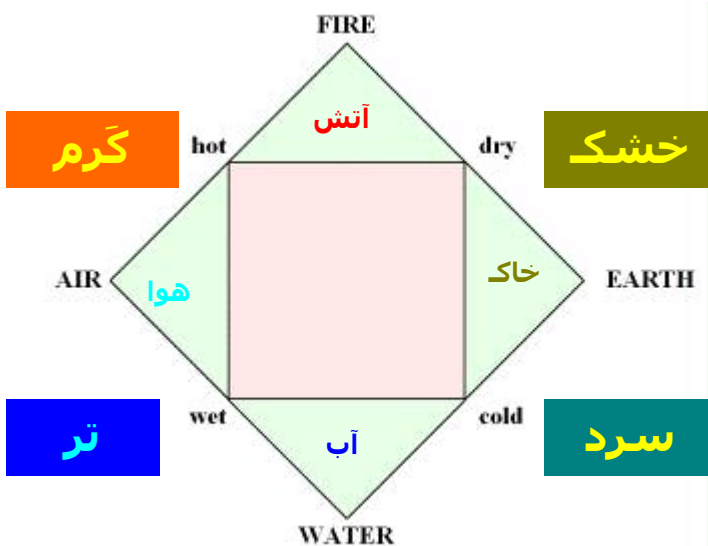
- ۱- اولاً اینکه تعبیر کنیم از نظر علمی .. یعنی که خود آنها علمی نیست و می خواهیم قالب علمی به او بدهیم، و این درست نیست، آن هم قالبی که جزو آن علم طب سینائی نبوده و مطابقت کلی ندارد، برخی جاها متناسب است و برخی موارد مختلف است با مبانی طب جدید.
- ۲- همانطور که اینجا تعبیر می کنند: ما می گوئیم.. این تلقی شخصی ایشان است نه تلقی و تفسیر طبای سینائی، ممکن است برخی موارد معادل که ایشان برای طبایع مختلف فرض کرده است متناسب باشد، ولی کلیت ندارد، مثلاً ممکن است سدیم از نظر طبع تر باشد، ولی اینطور نیست که هر چه تر است آنست که سدیم دارد، خیلی چیزها طبیعت مرطوب دارد ولی فاقد سدیم است، یا مقدارش مانند خیلی مواد است که به نظر ایشان مرطوب حساب نمی شود.
- ۳- همین نمک طعام که فقط و فقط کلرید سدیم است، و به حساب ایشان تر است، ولی در طب قدیم همه حکما متفقند که طبعش گرم و خشک است.
- ۴- یا موز که به عنوان سرشار از پتاسیم معروف است و طبق تحلیل ایشان طبعش می شود خشک، در حالیکه حکمای قدیم طبعش را مرطوب و تر می دانند.
- ۵- ما به همین اشاره اکتفا می کنیم، و در مقام نقد جزئیات دیگر بر نمی آئیم، عمده مطالب ایشان نسخه های جمع آوری شده بوده که ایشان برای پذیرش جو طبی رایج در مقام عرضه آن به اصطلاحات جدید و آنچه برای طب رایج پذیرفته است بوده اند، حالا بقدر با مبانی طب اصل و قدیم مطابقت دارد، به این مهم توجه نداشته اند، البته این تحلیلهای و اشکالات آن ضرری به اصل نسخه ها که توسط طب قدیم مطرح شده ضرری نرسانده و اشکالی در صحت و ارزششان ایجاد نمی کند.

اما از نظر علمی خشک یعنی چی؟ تر یعنی چی؟ موادی

به نام سدیم پتاسیم حتما شنیده اید دیگر این نمک طعامی که شما می خورید کلرید سدیم است دیگر $Cl\ Na$ تشکیل شده از کالر و سدیم **هر چیزی که سدیم در آن زیاد باشد ما می گوئیم تر است** چرا می گویند آنها که فشار خون دارند نمک نخورند؟ نمک چه کاری انجام می دهد؟ آب را جمع می کند در نسوج، (مجله: اگر نمک جمع کننده آب در نسوج است چه ربطی دارد به اینکه نمک سرد باشد، یا هرچه سرد است نمک داشته باشد؟) دقت فرمودید پس ما به موادی که می گوئیم تر است یعنی اگر شما این مواد را خوردید مایعات در نسوج شما جمع می شود و باعث می شود که فشار شما برود بالا.

حالا چه عاملی باعث می شود که با خوردن مواد سرد و تر بدن شما ورم بکند قبلاً گفتم به شما، می دونید چیه؟ در بدن انسان گفتم که دو نوع پمپ است. بدن انسان دارای پمپ های سدیم و پتاسیم است حالا وقتی که این مطلب را

من گفتم غذاها را هم گفتم خیلی راحت می تونید این





مسئله را خودتون کنترل کنید اگر دیدید که ادرارتون خوب دفع نمیشد پس موادی خورید که کلرورسدیم یا سدیم در آن زیاد بوده بعد می آید چه کار می کنید؟ مواد پتاسیم دار می خورید این آب خود بخود تخلیه می شود و دیگر نیازی به لاریکس ندارید شما اگر مراجعه کنید به پزشک به شما لاریکس می دهد تا ادرارتان دفع شود قرص لاریکس. حالا چرا اگر مواد سدیم دار خورید بدن شما ورم می کند؟ علتش اینست در بدن انسان دو نوع پمپ هست به نام پمپ سدیم و پتاسیم اینها مرتب دارند کار می کنند و تنظیم می کنند مایعات بدن را. (مجله: تمام استدلال در این فقره، همان نگرش طب رایج است به این بیماری، و هیچ سخنی از نگرش طب قدیم به موضوع نیست، و نقش طب قدیم این نیست که فقط بجای سدیم بگوید سرد، از مینا و فلسفه و نحوه نگرش تفاوت دارد، این روش ایشان که در این قسمت ارائه می کند، تحلیل بیماری از طب رایج و جایگزینی اسمس از طب قدیم و معرفی میوه و سبزیجات بجای داروی شیمیایی است، البته يك مرحله از تصحیح روش درمان رایج جایگزین کردن داروهای شیمیایی و روشهای پیچیده و جراحیها با داروهای آفریده الهی است، ولی کل تحلیل و بررسی و تشخیص بیماری در طب سینائی با طب رایج تفاوت است و در تحلیل ایشان مطرح نبوده و صرفا تغییر اصطلاح و تبدیل مواد مصنوعی به خلقتی است) کارکرد اینها می شود تنظیم مایعات بدن حالا اگر هر ماده غذایی

که ما مصرف می کنیم اگر به حالت تعادل باشد مشکل ایجاد نمی کند اگر هر کدام از اینها بیشتر شد چه مساله ای پیش می آید؟ یا مایعات بدن ما دفع می شود کلاً یا مایعات در بدن ما جمع می شود بعضیها را دیده اید پاهایشان ورم می کند زیر پلکها ایشان ورم می کند دستهایشان ورم می کند؟ می گویند کلیه اش از کار افتاده؟ نه اینطور نیست کلیه اگر از کار بیفتد انسان می میرد. پس موادی که ما می خواهیم مصرف کنیم با این شناخت خیلی راحت می آیم اینها را تنظیم می کنیم حالا اگر فراموش کردیم تنظیم کنیم اگر دیدید که سدیم زیاد خوردیم و ورم کرد بدنمان مواد پتاسیم دار می خوریم خیلی راحت آب یا مایعات از بدن دفع می شود. **پس ما موادی که سدیم دار است می گوئیم تر است موادی که پتاسیم دار است می گوئیم خشک است.** پس خشک و تر را متوجه شدید در این جزوه ای که می دهم به شما فرض کنید نوشته است این مواد گرم و خشک است یا گرم و تر است یا سرد و تر است.

حالا گرم و خشک یعنی چی؟ یا گرم و سرد یعنی چی؟ گفتم pH خون باید بالای ۷ باشد وقتی با خوردن بعضی غذاها pH خون برسد به ۷ انسان به حال اغما در می آید و غش می کند که وقتی کسی غش می کند به جای اینکه برایش يك کاری بکنند چکار می کنند دوش يك خط می کشند. عزیزان دقت کنند pH بالای ۷ را ما می گوئیم قلیائی و pH پائین ۷ را می گوئیم اسیدی. پس **به حالت اسیدی ما می گوئیم سرد به حالت قلیائی می گوئیم گرم.** پس تا اینجا متوجه شدید که گرم یعنی چی؟ سرد یعنی چی؟ خشک یعنی چی؟ تر یعنی چی؟ حالا این اصطلاحات را که شما بدانید يك کتاب طب قدیم مثلاً قانون بوعلی را که بردارید بخوانید راحت متوجه می شوید که گرم یعنی چی؟ سرد یعنی چی؟ متعادل یعنی چی؟ اول گرم دوم سرد سوم خنک یعنی چی؟ حالا اینها را من نگفته ام اول و دوم و سوم را، می گویم.

پس تا اینجا متوجه شدید که چه غذاهائی گرم و سردند یا خشک و ترند پس اینها را شما بنویسید دقت بکنید خیلی راحت متوجه می شوید حالا چه غذاهائی سدیم دارند چه غذاهائی پتاسیم بعد می گوئیم خدمت شما حالا برای اینکه ذهنتان آشنا شود اگر يك موقع غذایی خوردید یا نمک زیاد خوردید که بدنتان ورم کرد چه غذاهائی پتاسیم دارد؟ بیشترین غذاها یا میوه جات که پتاسیم دارند ته خیار است اگر روزی پنج شش تا خیار با هم بخورید این مایعات دفع می شود یا کاهو بخورید پتاسیم دارد یا مغز بادام بخورید پتاسیم دارد یا موز همینطور ولی جو نه، جو سرد و تر است اینها را همه را نوشته ایم. خوب عزیزان ببینید ما چقدر راحت می توانیم با شناخت بدن خودمان خیلی راحت اجازه ندهیم بیماری بیاید سراغ خودمان يك چیز ساده ای هم هست فقط باید اول بدن خودتان را بشناسید بعد غذاها را بشناسید بعد ببینید که چقدر راحت است زندگی کردن اصلاً بیمار نمی شوید می دانید باید چکار کنید دیگر. اینهایی که می گوئیم خام یا حرارت آتش جهنم خرابش نکنید میوه های بهشتی را با آتش جهنم نسوزانید. خوب پس عزیزان دقت کردید که گرم یعنی چی سرد یعنی چی خشک یعنی چی تر یعنی چی؟

بعد آتش را تعمیم دادیم دمای بدن انسان ۳۷ درجه است اگر سالم باشد با خوردن غذاها و ایجاد متابولیسم این ایجاد می شود.

حالا خاک یعنی چی؟ کدام قسمت بدن ما خاک است؟ قبل از اینکه خاک را بگوئیم آب را بگوئیم عرض کردم دو سوم کره زمین آب است به همان نسبت دو سوم بدن انسان هم آب است یعنی يك ادم ۹۰ کیلوئی ۶۰ کیلویش آب است یعنی ۳۰ کیلویش گوشت و استخوان است. بعد اگر خاکستر بدن انسان را تجزیه کنیم این مواد درش هست سدیم هست آهن هست پتاسیم هست روی هست منگنزهست مس هست کلسیم هست خوب این موادی که در بدن ما هست بیشتر منبعش در خاک است دیگر الان معدن روی هست معدن آهن هست معدن مس هست معدن طلا هست. پس می بینید که بدن ما در واقع آب را از آن کم کنید بقیه اش می شود عنصری که در خاک است پس راجع به همه اینطوری است نه اینکه يك شخص خاصی از جنس خاک باشد يکي ازجنس آتش يکي از



جنس آب باشد و این برتری بر این داشته باشد خدا می گوید هر که تقوایش بیشتر است او برتر از بقیه است دلیلی ندارد یکی آبی باشد یکی خاکی باشد یکی هوایی باشد یکی زمینی باشد یکی زیرزمینی



باشد چنین چیزی ما نداریم، (مجله: طبع انسان مزاج انسان را می سازد و مزاج انسان روان و اخلاق انسان را می برورد، و اگر یکی از طبایع بر شخص غالب باشد، خودخود زمینه احوال و افکار و روحيات مربوط به آن طبع در او فراهم بوده و با استمرار شدت پیدا می کند و اگر اصلاح نشود، شخصی خاص مناسب همان خصوصیات می شود، لذا کلام حکمای هند و چین بی ربط نیست، و منافاتی با افضلیت تقوی و صاحب آن یا کسی که اصلاح مزاج و یا رفتار می کند ندارد، البته اگر کسی در ادامه تحلیل افراط کند و بگوید کسی که طبعش خاکی است قابل تعدیل نیست و همینطور می ماند این درست نیست، ولی این کلام حکمای هند و چین نیست، و اگر تغییر را ممکن نمی دانستند که طبابت نکرده و دانش طب را تدوین و ترویج نمی کردند، طب برای اصلاح طبع و مزاج و تعدیل آنست).

اما گفتم خاك خشك سرد هستش هم معني سرد را فهميدید هم معني خشك را فهميدید چرا میگوید خاك چون قسمتی از بدن ما این عناصری که درش هست این عناصر در خاك هم هست خداوند می فرماید ما شما را از خاك آفریدیم نهایتاً هم برمی گردید به خاك اگر شما این را دقیقاً یاد بگیرید مسئله معاد هم برای شما حل می شود خیلی راحت.

خوب بعد می ماند آب که آب سرد و تر است سرد و تر در واقع هم حالت اسیدی دارد هم حالت تر دارد وقتی ما آنرا استفاده می کنیم این آب در بدن ما تجمع پیدا می کند و فوق العاده ضروری است.

اگر این آب را ما درست استفاده نکنیم دچار ناراحتیهای زیادی می شویم
اگر آب را درست استفاده نکنیم خیلی از ناراحتیها بر طرف می شود، حالا چه زمانی آب ایجاد بیماری میکند؟ خوردن آب با غذا، یا يك هو لیوان آب را سر کشیدن، یا

خوردن آب یخ، اینها همه اش بیماری ایجاد می کند. پس سعی کنید آب را هم اگر مصرف می کنید درست مصرف کنید درست مصرف کردنش به چه شکلی است؟ نیم ساعت قبل از غذا یا دو ساعت و نیم بعد از غذا يك لیوان را هم در سه وعده بخوریم یعنی وقتی يك سوم لیوان را می خوریم يك نفس عمیقی می کشیم دوباره يك سوم بعد دوباره يك سوم دیگر. پس آب شد سرد و تر.

بعد می رسیم به هوا که گفتم گرم و تر است. حالا گرم و تر بودن این با گرم و خشك بودن این چه فرقی دارد؟ به هر چیزی که در معرض هوا باشد ما يك رطوبت و نمی را حس می کنیم ولی آب اگر يك چیزی در معرض آب قرار گیرد کاملاً خیس می شود این گرم و تر بودن هوا را ما در شمال بهتر می توانیم حس کنیم؟ (مجله: گرم و تر بودن هوا را در شمال بهتر احساس کردن فقط مربوط به فصل تابستان است نه همیشه؟ و الا زمستان هوایش گرم و تر نیست، اصلاً ایشان گرم و تر که طبع کلی هوا است را با هوای مناطق استوایی و مرطوب اشتباه گرفته است، این اشتباه ناشی از آن است که اصطلاحات را با هم مخلوط می کند و فوراً می گوید این همان است و آن همین غیر از موارد جعلی که خودشان قرارداد می کنند و می گویند: ما می می گوئیم، البته هیچک از این اشکالات در اصل نسخه ها اشکالی ایجاد نمی کند عمده اشکال مربوط به برداشت اشتباه ایشان و تحلیل غلطشان از مطالب طب قدیم است) در چیزی که در معرض رطوبت هوا قرار بگیرد يك رطوبت و نمی را به خودش می گیرد. خوب حالا اینها اصلاً به چه دردی می خورد ما می گوئیم این گرم است این سرد است این خشك است این تر است حالا این مطالبی را که می گوئیم براحتی متوجه می شوید که از این مطالب چه استفاده ای را می کنیم در طب قدیم استفاده می کردند در طب جدید هم استفاده می کنند ولی انجور که باید استفاده کنند نمی کنند حالا برای اینکه این مسئله را من توضیح دهم و شما خیلی راحت مطلب را بگیرید

آشنایی با اخلاط اربعه (چهارگانه)



اخلاط اربعه را توضیح می دهم برای شما، در بدن انسان چهار نوع خلط است، حالا ببینیم این اخلاط منشأشان کجاست؟ کدام قسمت بدن تولید می کند؟ اگر کم باشد چه اشکالی ایجاد می شود؟ اگر زیاد باشد چه اشکالی ایجاد می شود؟

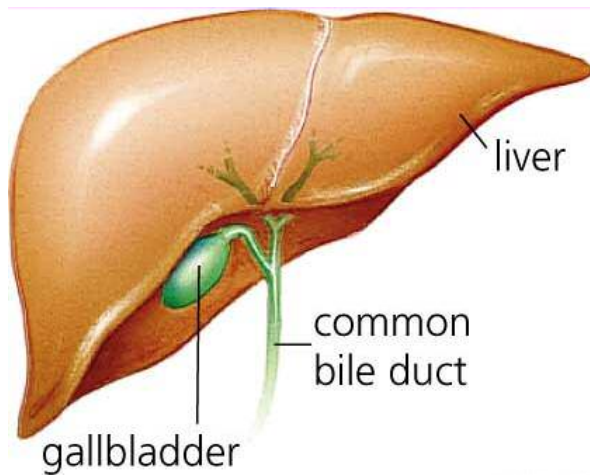
خوب اخلاط اربعه عبارتند از: صفرا سودا بلغم و خون. صفرا را که همه می دانند چیست، در پزشکی هم به ترشحات کبد صفرا می گویند که در کیسه صفرا جمع می شود حالا می دانید چرا می گویند صفرا چون زرد است می گویند صفرا. حالا سودا چیست؟ این سودا را در علم پزشکی سدیمان خون گویند یعنی آن مقداری از خون که رسوب می کند می گویند سدیمان خون در اصطلاح طب قدیم به آن سودا می گویند فعلاً معنی آن را بدانید تا بعد توضیح دهم

بلغم يك چیزی است مثل كشك آب یا سفیده تخم مرغ است در بدن که قدیمیها به آن می گفتند بلغم امروزها می گویند سیستم لنف یا سیستم لنفاتیک که در واقع همان سیستم ایمنی بدن می شود. خون هم که خون است.

مجله حیات اعلی: نکاتی درباره تفسیرهای شخصی ایشان از اصطلاحات طب سینائی، در فقرات فوق اشاره شد، آن اشکالات به نحو دیگری اینجا نیز مطرح است، لذا خیلی روی نحوه استدلال و تحلیل و تفسیرهای ایشان از مبانی طب قدیم متمرکز نشود فقط به

نسخه ها و برنامه ها توجه کنید.

دیگر حالا اگر شما مراجعه کردید پزشک نتوانست تشخیص دهد اولین چیزی که برای شما می نویسد آزمایش است شما می روید يك CBC می دهید نهایت به شما نشان می دهد صفراواتان چه حالت دارد بلغمتان چه حالت دارد فاکتورهای خونتان را به شما می گوید تمام اینها را به شما می گوید يك آزمایش هم هست به نام ESR حتماً آنهاي که مشکوک به رماتیسمند این آزمایش را می دهند که در واقع سودا یا رسوب شما را محاسبه می کند اگر که بود مثلاً ۳۰ یا ۴۰ می گوید شما رماتیسم دارید و باید کورتن بخورید حالا ما می گوئیم این بیماریها اصلاً چگونه بوجود می آید اگر بوجود آمد چگونه می توانید کنترلش بکنید چطور؟ با کنترل کردن اینها. ولی در علم پزشکی نداریم که بلغم را چگونه کنترل کنید. پس اینها را از نظر لغتی متوجه شدید حالا اینها را من يك يك توضیح می دهم برای شما با آن عناصر اربعه می گذاریم کنار هم ببینید که امروز چقدر مطالب را یاد گرفتیم و می توانیم خودمان را خیلی راحت با آنها ارزیابی بکنیم.



Carlyn Iverson

اما صفرا: خوب صفرا گفتم یعنی زرد (یعنی زردآب) حالا این زرد به چه درد می خورد، در طبیعت خانمها بیشتر استفاده می کنند ازش، می دانید چگونه؟ چون رنگ طلا زرد است دیگر صفراء نظر ناظرین سوره مبارکه بقره خداوند می فرماید که رنگ زرد رنگی است که دیده ها را خیره می کند دیگر به خاطر این اکثر خانمها به زرد علاقه دارند آن هم از نوع عیار ۲۲ یا ۲۴. خوب توضیح می دهم که این صفرا چي هست و چگونه ساخته می شود؟ و بدن انسان چقدر نظم عجیبی دارد و انسان اگر جلوه خدا را در خودش ندید آن انسان اشکال دارد. عرض کردم یکی از کارهای مغز استخوان ساختن گلبولهای قرمز بود و این گلبولها که می ساخت ۱۲۰ روز عمر می کردند بعد از ۱۲۰ روز این گلبول قرمز می رفت داخل طحال و آنجا شکسته می شد بعد گفتم هموگلوبین ۹۵٪ پروتئین داشت ۵٪ آهن داشت این آهنش می رفت در کبد به صورت فریتین ذخیره می شد خانمهایی که زیاد چاقی می خورند دچار کم خونی یا آنمی می شوند کبد چه کار می کند؟ از این آهن ذخیره می ریزد داخل خون حالا اگر زیاد چاقی خوردند زیاد، پیتزا خوردند سوسیس و کالباس خوردند؛ این توی کبد همینطور می رود بالا یعنی کبد اینها را می ریزد داخل خون بعد شما آزمایش می دهید مثلاً فریتین خونتان می رسد به ۳۵۰ پزشک می گوید باید بروید نمونه برداری از کبد بکنید کبدتان درست کار نمیکند بعد از نمونه برداری هم که مشخص است.

خوب عزیزان ببینیم صفرا چگونه ساخته می شود یعنی بدن از چیزهایی که زائد است چگونه استفاده می کند بعد از ۱۲۰ روز که گلبولهای قرمز رفتند داخل طحال شکسته شدند به دو قسمت تقسیم می شوند پروتئین و آهن. آهن می رود آنجا بصورت فریتین ذخیره می شود قندی که هست بصورت قند ذخیره می شود کبد روی پروتئین یکسری تغییراتی ایجاد می کند و به صورت صفرا می فرستد داخل کیسه صفرا، این کیسه صفرا چه کاری از دستش برمی آید؟ وقتی که شما غذا را میل کردید از دریچه پیلور رد شد رفت داخل روده این کیسه صفرا منقبض می شود و صفرا را می ریزد داخل روده کوچک یا اثنا عشر و غذا را هضم می کند بله پروتئین گلبولهای قرمز تبدیل به صفرا می شود با تغییراتی که کبد انجام می دهد یعنی این حدود ۱۸ تا ۲۰ بار باز جذب می شود، یعنی باز دور نمی ریزد، عرض کردم خانمهایی که یکبار لباسی را پوشیدند دیگر بار دوم نمی پوشند می گویند این را در فلان مهمانی دیدند و زشت اشته ما يك لباس را دو بار بپوشیم، (مجله: اتفاقاً با استدلال این خانمها مطابق است، همانطور که بدن چیزهای داخلی را مرتباً بازبینی می کند و دور نمی ریزد نوع خانمها داخل خانه هم همینطورند، آن بیرون خانه است که بعضی هاشون مرتباً عوض می کنند، مانند بدن که مرتباً لباس بیرونش که پوست بدن است را مرتباً می اندازد و هیچوقت پوست بدن را باز یافت نمی کند، این هم يك جواب از خانمها بر اساس استدلال طبی آقای خدادادی، البته صحیح است این حرف که اسراف ناشایست است و این عادت که يك لباس دو بار پوشیده نمی شود مربوط به بانوان فهیم و مؤمن نیست) ولی بدن بیست بار يك چیزی را استفاده می کند و هیچ چیزی را دور نمی ریزد تا کم کم از طریق مدفوع يك مقدارش دفع شود پس بدن انسان را خداوند طوری طراحی کرده که هیچ چیزی را دور نمی ریزد پس صفرا در کبد ساخته می شود رنگش هم زرد است و برای هضم غذا استفاده می شود.

حالا ببینیم این جزو کدامیک از آتش و هوا و خاک است؟ چرا صفرا جزو آتش است چرا؟ برای اینکه PH آن بالای ۸ است حدوداً ۸/۵ است وقتی PH بالا باشد گرما زیاد تولید می کند خانمها یا آقایانی که صفرا زیاد تولید می کنند همیشه زیر دنده راستشان اگر دست بگذارند فوق العاده آتش است یعنی همیشه ۲ درجه تب را دارند پس کبد اینجاست، حالا می گوئیم چه غذاهایی صفرا را زیاد میکند و چه غذاهایی صفرا را کم می کند بعد دیگر خودتان می دانید چه باید بخورید.

پس آن چهار عنصری که گفتم خدمت شما: آتش خاک آب و هوا، پس کبد صفرا را که ساخت PH آن بالای ۸/۵ است پس می شود جزو آتش پس صفرا مساوی با آتش. آتش هم که گرم و خشک است کسانی که صفرا زیاد ترشح می کنند لبهایشان دچار خشکی و ترک می شود پس خانمهایی که لبهایشان ترک می زند نروند ویتامین AD بمالند تا خوب شود که خوب نمی شود بچه ها هم شکلات و پفک می خورند و غذاهایی می خورند که صفرا زیاد می شود بر اثر حرارت زیاد لب خشک می شود پوست سر می سوزد ترک می خورد به عنوان شوره می آید بیرون پس کسانی که موهای سرشان همیشه شوره دارد کبدشان اشکال دارد، برای اینکه صفرا گرم و خشک است PH آن بالای ۸/۵ است PH ۵/۸ یعنی خیلی گرم است این حالت باعث میشود پوست بدن بسوزد پوستهایی که نازکترند بیشتر می سوزند پوست سر و لب زودتر می سوزد و حتی ریشه مژه هایشان دور پلکهایشان می سوزد و پوسته پوسته می شود، بعد پزشک می گوید ویتامین AD بزنید در حالی که نیازی نیست این غذاها را نخورید بچه خودبخود خوب می شود یعنی در واقع ما با خوردن یکسری غذاها صفرا را در بدن این بچه کم کرده ایم حالا مزاجها را که بگوئیم متوجه می شوید که یعنی چي؟ پس صفرا را شما متوجه شدید که PH آن بالای ۸/۵ است یعنی گرم و خشک.

حالا مي آئيم سراغ سودا گفتم سودا مساوي است با خاك. خاك مساوي بود با سرد و خشك. اين سودا بيشتر در طحال توليد مي شود طحال چيزي مثل جگر سياه است در سمت چپ بدن زير دنده چپ مثل كبد است كه بر آمده است در قديم مادر بزرگهايي كه آگاه نبودند به بچه هايي كه شب اداري داشتند مي دادند، و از نظر شرعي هم خوردنش حرام است چون گورستان گلبولها و ميكروبيهاست. گفتم بعد از ۱۲۰ روز گلبولها در طحال شكسته مي شوند طحال زير دنده چپ است اگر ورم كند درد شديد ايجاد مي كند پس سودا ما غذاهائي مي خوريم كه خون سريع رسوب پيدا مي كند و يك اشكالاتي ايجاد مي كند كه مي گويم براي تان يك حالتهائي ايجاد مي شود كه ان حالته را اگر شما مطالعه كنيد خيلي راحت خودتان را مي توانيد ارزيابي كنيد ببينيد كه چرا امروز حالتان خوب نيست چرا امروز زياد عصبي مي شويد چرا امروز همه اش دچار افسردگي مي شويد علت را خودتان تشخيص مي دهيد عرض كنم كه سودا از جنس خاك است يعني سرد و خشك است يعني PH ان خيلي پائين است و زير ۶ است.

بعد مي رسيم به بلغم كه متأسفانه امروزه اكثر بيماريها از طريق بلغم است كه بلغم گفتم همان اب است يعني بلغم مساوي با آب مساوي با سرد و تر. جالب اينجاست كه يك هماهنگي بين سيستم دفاعي بدن يا بلغم يا سيستم لنفاتيک بدن گويند در علم جديد امروزه مي گويند سيستم ايمني يا سيستم لنفاتيک بدن كه با اين غذاهائي كه شما مي خوريد اين سيستم را تضعيف مي كنيد الان مي دانيد كه بيماران ايدزي در مملكت ما زياد شده اند ايدز هم مي آيد اين سيستم را تضعيف مي كند اين غذاهائي هم كه مي خوريد تضعيف مي كند مثل: شيريني چائي سوسيس كالباس سس هزار جزيره دوهزار جزيره.. كه اينها همه اش سيستم ايمني را تضعيف مي كند و تضعيف شدن اين مساوي است با بيماري و بيماري اين مساوي است با شيمي درماني و راديو تراپي. يك بيماري است به نام هوچكينز قديم به ان صرع مي گفتند كه بو علي سينا كشف كرد امروز اين بيماري به نام اقا ي هوچكينز معروف است دقيقاً " نحوه درماني كه بو علي سينا گفته اقا ي هوچكينز هم همان را گفته، اين را در قانون برويد بخوانيد صرع است.

حالا بلغم چه نسيبي با اب دارد؟ اب سرد و تر است بلغم هم سرد و تر است كساني كه سردي زياد بخورند شبها ماست بخورند بلغمشان فعال مي شود زير چشمها پف مي كند يا صبح بايد ساعت ۵ از خواب بيدار شود ساعت ۹ بيدار مي شود بعد مي بينيم كه بيحال است هميش دوست دارد يك جا بنشيند. پس ببينيد بلغم يا سيستم ايمني بدن داراي شش نوع گلبول سفيد است مثل: اريتروسيتها منوسيتها و لكوسيتها كه شما وقتي آزمايش خون مي دهيد مجموع اينها بايد بشود ۱۰۰ نمي دانم دقت كرده ايد يا نه يك ۷۰% يك ۳۰% يك ۹% و... وكلا" مجموع اينها بايد بشود ۱۰۰ اگر اشكالي در بدن باشد عفونتي باشد اينها تعدادش زياد مي شود اگر ما غذائي خورديم كه اين فعال شد اولين چيزي كه مي آيد سراغ ما درد مفاصل است رماتيسم مفصلي مي آيد سراغمان حالا چه غذاهائي اين را زياد مي كند چه غذاهائي اين را كم مي كند اين را باز مي گوئيم خدمت شما. پس سرد و تر است چون PH ان زير ۷ است.

بعد مي رسيم به هوا يا خون، هوا را گفتم گرم و تر است خون هم همينطور گفتم PH ان بايد بالاي ۷/۲ باشد اگر برسد به ۷ انسان مي رود در حالت اغما.. حالتهاي گوناگوني دارد اگر قند بدن شما بيايد پائين اين PH مي آيد پائين و به حالت اغما مي رويد اگر قند بدن شما برسد به ۵۰۰ يا ۵۵۰ يا ۶۰۰ باز مي رويد به حالت اغما چرا؟ اين اگر پائين بيايد در اثر سردي مي رويد به حالت اغما اگر بالا برود در اثر گرمي مي رويد در حالت اغما يعني اين PH كه ۷/۲ تا ۷/۴ است اگر از اين بالاتر برود مي رويد در حالت اغما اگر از اين پائين تر هم بيايد مي رويد در حالت اغما اينرا مي گويند هيپوگليسمي در طب جديد به ان مي گويند هيپرگليسمي ولي طب قديم به اين مي گفتند جنون سرد به ان مي گفتند جنون گرم.

پس فرق بين سرد و گرم و خشك و تر را شما متوجه شديد، و اين اب و آتش و خاك و هوا را هم متوجه شديد، پس آتش مساوي با صفرا، آب مساوي با بلغم، هوا مساوي با خون، خاك مساوي با سودا، پس مي شود: صفرا سودا بلغم خون مساوي با آتش خاك اب هوا، كه مي شود گرم و خشك، سرد و خشك، اب مي شود سرد و تر، هوا مي شود گرم و تر.

مجله حيات اعلى:

۱- عناصر اربعه مساوي با اخلاط اربعه نيست، هر چند كه عناصر اربعه مؤلّد اخلاط اربعه بوده و اخلاط اربعه ناشي از عناصر اربعه هستند.

۲- طبيعي است كه تغييرات حاصله در اخلاط اربعه موجب بروز تغيير در علايم مختلف بدن از قبيل حرارت يا PH بزاق يا ادرار و ساير نشانه ها بشود، ولي اين ارتباط لازم نيست كه به نحوي كه ايشان اشاره كرده باشد و خلاصه اين تغيير كه بالا رفتن يا پائين آمدن PH بزاق يعني صفرا يا سودا اين تغيير دقيق نيست.

۳- قبلا اشاره شده كه اخلاط اربعه قوام مزاج انسان است، و بيجيدكي تغييرات آن به يك علامت بزاق تنها مشخص نمي شود.

جمشيد خدادادي

والحمد لله ربّ العالمين